

Herimanan شهریور ۱۳۹۰
Aug - Sep 2011

ارگان کمیته کردستان سازمان اتحاد فدائیان کمونیست

در این شماره ...

سال جدید تحصیلی و وظایف
دانش آموزان پیشرو و انقلابی

۲ ص

سیاست امپریالیسم جهانی در قبال
وقایع منطقه و رژیمهای دیکتاتور!

۳ ص

حزب کارگران کردستان pkk و ارتباط آن
با مطالبات خلق کرد در کردستان ترکیه!

۴ ص

گزارشی رسیده از تبریز . درباره خشک شدن
دریاچه ارومیه و تاثیرات آن

۸ ص

خاوران یادگار هزاران ستاره
بخون خفته خلق

۱۱ ص

چه هدفی و برای چه؟

۱۱ ص

۱۱ سپتامبر . سند خیانت و جنایت

امپریالیسم آمریکا در شیلی

۱۴ ص

بیاد صمد

آموزگار سرخ زندگی!

کار ، مسکن ، آزادی ، جمهوری فدراتیو شورایی!

اول مهر ماه ، سال جدید تحصیلی آغاز خواهد شد و بار دیگر میلیونها نفر از فرزندان کارگران و زحمتکشان به مراکز آموزشی رفته به امید فراگیری و کسب علم و دانش . هر چند در میهن ما سالیان متمادی است که بر سر راه

سال جدید تحصیلی و وظایف دانش آموزان پیشرو



مراکز آموزشی ، بی مسکنی ، فقر و هزینه سنگین تحصیل قادر به تحصیل نمی باشند . و از این حق محروم گشته اند . شرایط بسیار سخت و دشوار زندگی اوضاع وخیم اکثریت جامعه و نبود هرگونه امکانات ابتدایی زندگی بخش عظیمی از

نیروی جوان و نوجوانان میهنمان تبدیل گشتند . بخاطر تامین حداقل هزینه زندگی رژیم خویشتن و خانواده شان ناچارند کار جمهوری سخت و طاقت فرسا انجام داده و تمامی تلاش آرزوی تحصیل و قلم و دفتر و مدرسه بکار می بندند را با تحمل رنج و کار و ستثمار با بیشتری از خود به گور ببرند . وظیفه دانش جوان جامعه آموزان و دانشجویان پیشرو و انقلابی ارگانهای دانشگاهها و مراکز آموزشی است که رژیم سوق حرکات نارضایتی دانش آموزان و اکنون و بعد دانشجویان دانشگاهها را با جنبش طبقه کارگر و توده های زحمتکش

کسب علم و دانش مشکل آفرینی شده و دستاوردهای علمی دست نیافتنی گشته سردمدران است و دانش آموزان و دانشجویان جنایتکار میهنمان در قدم نخست با مشکلات اسلامی بسیاری از جانب حکومت ارتجاعی و خویشتن را قرون وسطایی جمهوری اسلامی تا تعداد مواجه میگردند . ارتجاع مذهبی حاکم نیروی ، سایه شوم خویشتن را بر مدارس را بسوی گسترانیده است و خواهد کوشید تا سرکوبگر برای حفظ نظام ستمگرانه خویشتن جهل دهند .

و خرافه پرستی را به هر صورت ممکن از طریق تهی ساختن دستاوردهای تاریخی بشریت و کتمان حقایق گسترش دهد و مغز و فکر نیروی جوان و آینده ساز جامعه را شستشو

دهد یا نفتیش عقاید و حاکم نمودن فضای ترس و اختناق و صدها طرح و توطئه ضد بشری همچون گسترش بی بندوباری و مواد مخدر و ... در مراکز آموزشی مانع رشد تواناییها و قدرت خلاق دانش آموزان و دانشجویان گردد و خواهد کوشید تا با پیش بردن سیاستهای ارتجاعی خویشتن از نیروی عظیم دانش آموزان و دانشجویان به سود خویشتن بهره گیرد . در زمان جنگ ارتجاعی و ناعادلانه دولتهای ایران و عراق این مدارس و دانشگاهها بودند که به مراکز عمده جذب و تامین نیرو برای جنگ جمهوری اسلامی و گوشت دم توپ از حرکت دانشجویان در تیرماه 78 دانشجویی به پشتیبان و حامی مبارزات فضای ترس و اختناق و صدها طرح و توطئه ضد بشری همچون گسترش بی بندوباری و مواد مخدر و ... در مراکز آموزشی مانع رشد تواناییها و قدرت خلاق دانش آموزان و دانشجویان گردد و خواهد کوشید تا با پیش بردن سیاستهای ارتجاعی خویشتن از نیروی عظیم دانش آموزان و دانشجویان به سود خویشتن بهره گیرد . در زمان جنگ ارتجاعی و ناعادلانه دولتهای ایران و عراق این مدارس و دانشگاهها بودند که به مراکز عمده جذب و تامین نیرو برای جنگ جمهوری اسلامی و گوشت دم توپ

کارگر و توده های زحمتکش کشورمان به منظور تامین و تضمین ارتقای سطح دانش کارگران و زحمتکشان و جوانان . مالکیت خصوصی و روابط و مناسبات ناشی از آن از سیستم آموزش و پرورش برچیده می شوند و با دگرگونی بنیادی در نظام آموزشی کشور بر مبنای آخرین دستاوردهای علمی و فنی در زمینه آموزش و پرورش . امکانات تحصیلات رایگان و همه جانبه برای کلیه شهروندان تضمین می شود .

دانشجویی به پشتیبان و حامی مبارزات توده ای مبدل سازند . آنها موظفند تا مهم و حائز اهمیت می باشد ایجاد در مراکز آموزشی با ایجاد تشکلهای مختلف و تفرقه در میان صفوف دانش مستقل خویشتن همچون کمیته های مراکز آموزشی مانع رشد تواناییها و قدرت خلاق دانش آموزان و دانشجویان گردد و خواهد کوشید تا با پیش بردن سیاستهای ارتجاعی خویشتن از نیروی عظیم دانش آموزان و دانشجویان به سود خویشتن بهره گیرد . در زمان جنگ ارتجاعی و ناعادلانه دولتهای ایران و عراق این مدارس و دانشگاهها بودند که به مراکز عمده جذب و تامین نیرو برای جنگ جمهوری اسلامی و گوشت دم توپ

سیاست امپریالیسم جهانی در قبال وقایع منطقه و رژیم‌های دیکتاتور !

لجستیکی ارتش سوریه و حزب الله لبنان نیز میتوان به این واقعیت اشاره کرد که رژیم ایران نیز حفظ منافع کلان اقتصادی حاصل از ترانزیت و فروش مواد مخدر را از ایران به سوریه و از آنجا به جنوب لبنان و سپس ارسال آن از بنادر این کشور توسط ارتش حمل مواد مخدر

یعنی حزب الله برایش مهم بوده و از همین رو نیز با سرسختی تمام در وقایع سوریه و حفظ رژیم شریک خویش در سوریه فعالانه سیاست سرکوب را در پیش گرفته است . بنابراین در این میان آنچه برای هیچ یک از طرفین غرب و رژیم‌های ارتجاعی دیکتاتور مهم نیست تنها جان و مال مردم بوده و همگی در صدد حفظ قدرت و منافع اقتصادی خویش میباشند . چندی پیش شبکه خبری العربیه گزارش داد ملک عبدالله پادشاه مرتجع عربستان 300 میلیارد دلار برای توسعه مکه اختصاص داده ، طرح ارتجاعی توسعه مکه توسط این مهره مزدور امپریالیسم در حالی به اجرا در میاید که پادشاه عربستان بخوبی میداند که درآمدهای کلان نفتی کشورهای نظیر عربستان بایستی به هر صورت ممکن در راه حل کسری بودجه آمریکا و جلوگیری از ورشکستگی هرچه بیشتر دنیای سرمایه داری که خود نیز جزو آن بشمار میروند صرف شود . حال چه از طریق مصادره آنها نظیر آنچه در مورد لیبی توسط کشورهای اروپا و آمریکا رخ داد و یا باز سازی مکه با صرف 300 میلیارد دلار مهم فروش کالاهای امریکایی و اروپایی و کسب منافع کلان اقتصادی توسط این کشورها مییاشد .

مردم در جریان اعتراضات گسترده مردمی در کشورهای منطقه نظیر ایران و سوریه و یا هر کشور دیگری که شاهد چنین وقایعی در آینده خواهد شد برای آمریکا و اروپا اهمیت چندانی ندارد . مهم آنست که به هر صورت ممکن از نتایج آن اطمینان حاصل کرده و با تضمین حفظ منافع اقتصادی از جانب نیروهای جایگزین وارد عمل گردیده و اینبار با برافراشتن پرچم دفاع از حقوق بشر و مردم دوستی و جلوگیری از کشتار مردم توسط دیکتاتورها دیکتاتور قبلی سرگون و دیکتاتور جدید جایگزین گردد . در غیر این صورت با گذشت بیش از دو ماه از آغاز جنبش اعتراض مردم سوریه و باموج سرکوب وحشیانه رژیم بشار اسد علیه مردم این کشور و حمایت‌های گسترده و بیدریغ رژیم جمهوری اسلامی ایران و شرکت فعالانه سپاه پاسداران در جریان سرکوب مردم سوریه ، اتحادیه اروپا و آمریکا تاکنون بسیار محتاطانه عمل کرده و اقدامات سوریه را تنها محکوم کرده به جز چند مورد تحریم و ممنوعیت و رود رهبران سوریه به اروپا کار دیگری انجام نداده اند . البته در مورد حمایت‌های بیدریغ ایران از سوریه و اعطای سالانه یک میلیارد دلار نفت بلاعوض به سوریه از جانب ایران از بدو روی کار آمدن جمهوری اسلامی و تامین تجهیزات نظامی و

سیاست امپریالیسم جهانی در قبال وقایع منطقه و از بدو شروع تحرکات و اعتراضات مردمی بخوبی بیانگر این واقعیت بوده که کشورهای آمریکا و اروپا همواره در صدد حفظ منافع اقتصادی خویش در این مناطق بوده و سر دادن ندای حقوق بشر ، مردم دوستی و از جانب آنان تنها زمانی کاربرد دارد که تامین کننده منافع کلان اقتصادی آنها باشد . زمانی آنها در مقابل دیکتاتورهای وابسته به خود صف آرایی خواهند کرد که مطمئن باشند نیروی جایگزین دیکتاتور قبلی منافع اقتصادی آنها را بطور کامل همانند گذشته و حتی بهتر از قبل زیر چتر سرکوب و اختناق و عوافرایی تامین نمائید ! آنگاه است که امپریالیست‌ها آنطور که در افغانستان و عراق و لیبی به صورت نظامی و در مصر و تونس بطرق دیگر عمل نمودند وارد عمل میشوند . تا زمانی که آنها از حفظ منافع اقتصادی مطمن نشده اند و نیروی جایگزین را کاملاً در خدمت خود ارزیابی نکرده باشند و یا احتمال از دست دادن کنترل شرایط را بدهند آنگونه عمل میکنند که هم اکنون در سوریه و همواره در ایران عمل نموده اند . و آنها تنها در حد صدور قطعنامه ها و موضعگیریهای رسمی دیپلماتیک کم رنگ و بی اثر پافراثر نخواهد گذاشت . کشتار و سرکوب خونین

حزب کارگران کردستان pkk و ارتباط آن با مطالبات خلق کرد در کردستان ترکیه!

سرمایه داری که ارزیابی پاسخ به این سؤال است که هنوز بقایای نظام خاستگاه طبقاتی هر جریان سیاسی فتودالی نه بعنوان از بدو تاسیس آن چه بوده است . یک طبقه بلکه واضح است که مواضع هر جریانی بعنوان نیرویی با در نظر گرفتن چنین معیاری یعنی که هنوز از خاستگاه طبقاتی آن یعنی دفاع از امکانات مالی

جنبش انقلابی خلق لازم برخوردار است تا سرمایه اجتماعی مشخص با گذشت زمان و کرد در بخشهای جدا از هم آن خویش را در شهر و روستا به کار جریانات بسیاری را در دامان اندازد در آن وجود دارد . رشد و تبع آن تغییر در ساختار اقتصادی خویش پرورش داده و هر یک از گسترش بورژوازی تجاری و دامنه _ اجتماعی _ سیاسی و همچنین جریانات در روند مبارزات خلق گسترش سرمایه آنها در بخش دلالی _ اجتماعی _ سیاسی _ بورژوازی روستا منافع و مصالح کرد با خاستگاه طبقاتی مختلف و بازار نشاندهنده آن است که منافع اقتصادی _ سیاسی _ بورژوازی روستا منافع و مصالح اجتماعی متفاوت از هم توانسته اند خویش را در به جریان انداختن بر بستر تضاد اصلی یا همان تضاد سرمایه خویش در شهرها و بازار انقلاب پرچم مبارزه بر علیه ستم ملی افکار و مواضع اجتماعی را یافته است . به همین دلیل جامعه ملی را برافراشته بود اکنون قادر به نمایندگی کنند . از ابتدای شروع کردستان در هیچ بخش آن شاهد قیامهای عشایری و قبیله ای شمال تا رشد بورژوازی صنعتی نبوده و پا جنوب و شرق تا غرب کردستان تا را از چهارچوب بورژوازی تجاری فراتر نگذاشته است . « در جنوب رهبری جریانات ناسیونالیست تضاد کردستان یا در کردستان عراق هم اصلی همان تضاد ملی باقی مانده و انگیزه اصلی توده ها برای نیل به اهداف و به کارگیری نیرو و توان آنان بوده است . با ارزیابی و تشخیص تضادهای داخلی جامعه کردستان و تعیین تضاد اصلی ، خود حاکم است و از امکانات مادی و معنوی بسیاری نیز برخوردار است تا سرمایه های خویش را در موقعیت و اوضاع اقتصادی _ اجتماعی _ سیاسی فرهنگی و آداب و رسوم رایج در درون جامعه آن و همچنین عقب ماندگی جامعه کردستان ، مبارزه مسلحانه بمنظور ترس و هراس آن برای بورژوازی حل تضادها و تضاد اصلی یعنی وجود دارد تا سرمایه های خویش را تضاد ملی به مشی اصلی و یا غیر از بخش تامین و واردات کالا و تاکتیک محوری مبارزه و یا ابزار توزیع آن به جریان اندازد . « این اصلی برای اشاعه تفکرات جریانات مربوط به وضعیت بورژوازی شهر اجتماعی تبدیل گشته است . ساختار و روستای کردستان است . اما جریانات سیاسی چه افشار و طبقات 1 _ از ابتدای شکل گیری مناسبات قدری اختلاف در بخشهای مختلف اجتماعی را در جامعه کردستان شروع فعالیتها روشنفکرانه جمعی

تاریخچه حزب کارگران کردستان به سه مرحله تقسیم میگردد :
1 _ از ابتدای شکل گیری مناسبات سرمایه داری در کردستان ترکیه و شروع فعالیتها روشنفکرانه جمعی

از دانشجویان دانشگاه آنکارا در سال 1970 میلادی تا تاسیس آن در سال 1980 .

2_ از زمان تاسیس این جریان تا زمان درگیری و جنگ این جریان با جریانات کرد در جنوب کردستان و گسترش جنگ خلق بر علیه حکومت مرکزی و جریانات منطقه ای همپیمان حکومت ترکیه یعنی تا سال 1990 و پیش از سقوط اتحاد شوروی و اردوگاه سوسیالیستی .

3_ تغییرات در سیاستهای pkk بدلیل عوامل مختلفی همانند سقوط اتحاد شوروی و همچنین رشد و گسترش مناسبات سرمایه داری در کردستان ترکیه و صف بندیهای جدید در درون ساختار طبقاتی کردستان ترکیه .

در سال 1970 گروهی از دانشجویان دانشگاه آنکارا تحت تاثیر قیام آزادیخواهانه خلق ویتنام و همچنین مبارزه دانشجویان چپ ترکیه خود را در برای تئوریزه کردن انقلاب کردستان آماده میکردند . در کردستان در آنزمان شرایط عینی و ذهنی قیام فراهم بود . عینی به آن معنا که طبقه سرمایه دار و کارگر کردستان دو طبقه اصلی ساختار اجتماعی کردستان را تشکیل میدادند و در این بین اقشار بینابینی یعنی خرده بورژوازی با تمام تقسیماتش در پی منافع و مصالح اقتصادی و اجتماعی خویش بودند و هر یک از اقشار و طبقات اجتماعی ذکر شده نیرو و جریان نمائیده خویش را تشکیل می دادند و در این میان طبقه تازه پا

گرفته کارگر کردستان با شکل گیری تازه خویش و همچنین عدم یکدستی و ناهمگونی آن و سطح پائین درک و آگاهی اجتماعی و طبقاتی خویش قادر نگردید جریان سیاسی خویش را بعنوان نیرویی بمنظور دفاع از منافع و مصالح خویش بوجود آورد و از رسالت تاریخی خویش بازماند و این وظیفه را به خرده بورژوازی فقیر و تهیدست روستا و همچنین خرده بورژوازی متوسط و مرفه شهر و روستا که منافع و مصالح آنها در این مرحله با منافع طبقه کارگر در تضاد نبود و هم بود و در تضاد با منافع سرمایه داری بزرگ بود ، سپرد . شرایط ذهنی نیز بخاطر سالها ستم و احجاف ملی _ طبقاتی جنسی و ... سرکوب ددمنشانه حکومتهای فاشیست ترکیه علیه خلق کرد در کردستان ترکیه برای برپایی قیام سازماندهی شده و خارج از شکل و محدوده عشایری و قبیله ای آماده بود . دوران فعالیت ایدئولوژیک گروه ما بین سالهای 1970 تا 1976 بطول انجامید و انقلاب کردستان را تئوریزه نمودند .

در سال 1976 کمیته مرکزی گروه انتخاب شد . کمیته مرکزی از 3 نفر تشکیل شد :

رهبر و دو جانشین رهبری « به اسامی حقی و فرد دیگری به نام قمر اوزکان که قبلاً عضو گروه چپ ابراهیم کاپیا کایا بود و بخاطر خیانت قمر اوزکان این گروه به پلیس لو داده شد و همه اعضای گروه کاپیا کایا دستگیر یا کشته شدند . پس از آشکار شدن خیانت قمر اوزکان افراد مسلح گروه او را در شهر درسیم ترور کردند . در سال 1978 گروه بطور رسمی تاسیس pkk را اعلام نمود . جریانات سیاسی کردی در شمال کردستان یعنی کردستان ترکیه عموماً بعد از دهه 80 میلادی بخصوص پس از کوتادی سال 72 و رشد و گسترش روابط بورژوازی در کردستان و تولد اقشار و طبقات جدید در نظام جدید حاکم بوجود آمدند و عموماً گرد شعار و برنامه التقاطی خرده بورژوازی آمیخته با سوسیالیسم و در مراکز روشنفکری یعنی دانشگاههای آنکارا بمنظور حل تضاد ملی در این بخش از کردستان فعالیت خویش را آغاز نمودند . pkk نیز بعنوان جریانی از این جریانات و با افکار التقاطی خرده بورژوازی که نمائیدگی منافع و مصالح قشر خرده بورژوازی روستا و شهرهای کردستان ترکیه را مینمود از همان ابتدای تاسیس خویش در تضاد و دشمنی با دو جبهه مختلف قرار گرفت . اول در دشمنی و تضاد با بقایای نظام قبلی یا همان نظام



عشایری و فئودالی که خود را غالب اجتماعی تازه گردید . حکومت مرکزی ترکیه نیز که وابسته به امپریالیسم آمریکا بود و بعنوان پایگاه داخلی آن همکار و همپیمان حکومت شاه ایران بود و برای حفظ و حراست منافع منطقه ای امپریالیسم به صورتی وحشیانه هر جنبش توده ای را با گلوله پاسخ میداد . به همین دلیل در چنین شرایطی تضاد خلق و حکومت مرکزی که منافع امپریالیسم را در منطقه نمایندگی میکرد غیر مستقیم بعنوان تضاد خلق و امپریالیسم تحلیل میگردید . چپ ترکیه این واقعیت را در آن زمان درک کرده بود اما خویش را به مناطق ترک نشین محدود نمود و نتوانست مبارزات خلق تحت ستم کرد را سازماندهی نماید و رهبری جنبش خلق کرد و سرکوب بیرحمانه حکومت فاشیست ترکیه بر علیه خلق ستمدیده کرد و مسئله حق تعیین سرنوشت آن موضعگیری واضح و روشنی اتخاذ کند ، اما دشمنی pkk و حتی حمله مسلحانه آنها علیه فعالین چپ در داخل کردستان ترکیه نشاندهنده آن بود که جریان pkk از نظر طبقاتی نخواهد توانست از میان سرمایه داری تازه پا گرفته و پرولتاریا یکی را انتخاب نماید . به همین دلیل از pkk ابتدای اعلان جنگ خویش بر علیه بقایای فئودالی و بمنظور دفاع از منافع قشر خورده پائین شهر و روستا فعالیت خویش را آغاز نمود و بخاطر اینکه نظام فئودالی به سرعت و بدلیل رشد و گسترش شیوه های تولید و روابط مناسبات تولیدی سرمایه داری در آغاز دهه 80 نیرو و توان خویش را بعنوان یک طبقه بمنظور دفاع از منافع و مصالح خویش و همچنین حفظ روابط و مناسبات نظام متبوع خویش را از دست داده بود در مدت زمان کوتاهی از نظر سیاسی و اقتصادی تسلیم روابط و مناسبات

موضوعیگری کرد و مبارزه قهرآمیز خویش را بر علیه دیکتاتوری اعلام نمود اما خویش را به مناطق ترک نشین محدود نمود و نتوانست مبارزات خلق تحت ستم کرد را سازماندهی نماید و رهبری جنبش آزادیخواهانه آنها به دست گیرد و میدان را برای جریانات خرده بورژوا خالی کرد . چپ ترکیه میبایست همپیمانان خویش را از میان اقشار فقیر و متوسط ناراضی از رشد و گسترش روابط و مناسبات اجتماعی سرمایه داری انتخاب مینمود . به همین دلیل pkk بعنوان نماینده خرده بورژوازی شهر و روستا از ابتدا به دلیل سیاست ضعیف و پاسیو چپ ترکیه و از طرفی دیگر گسترش روابط و مناسبات تولیدی سرمایه داری و تغییر و تحول ساختار سیاسی - اقتصادی و اجتماعی کردستان به سوی ناسیونالیسم گرایش یافت . در

pkk هر چند جریانی کارگری و رادیکال محسوب نمی گردد ، اما بدلیل اینکه منافع اقشار خرده بورژوازی پائین و متوسط شهر و روستاهای کردستان ترکیه را در مقابل بورژوازی حاکم وابسته به امپریالیسم نمایندگی میکند در صف انقلاب جای دارد و نمیبایست معیار ارزیابی خویش را بر این مبنا قرار دهیم که چون جریانی مارکسیست - لنینیست نیست پس ضد انقلاب است .

بود اما از واقعیت ستم ملی و وجود تضاد اصلی که میبایست دیگر تضادهای جامعه سرمایه داری از کانال آن تضاد اصلی حل و فصل گردد عاجز بود . چپ ترکیه نتوانست از تاثیر سیاست احزاب برادر و اتحاد شوروی خود را رها سازد . این وضعیت چپ پاسیو و در جبهه اتحاد شوروی کشور ترکیه بود ، چپ فعال نیز هرچند در مقابل سیاست رویزیویستی و رفرمیستی چپ پاسیو ایستادگی نمود و

از خطر محدود نمودن آن توسط دولت _ ملتها از هر زمان دیگری ضروری تر بنظر میرسد ، حتی زمانیکه جهان دو قطبی بود . یعنی به کارگیری نیرو و توان خلقهای تحت ستم بمنظور بنیاد نهادن جامعه ای که ستونهای آن بر همزیستی مسالمت آمیز طبقاتی و دفاع از روابط و مناسبات سرمایه داری موجود استقرار باشد . سیاستی که هم اکنون در شمال و جنوب و شرق و غرب کردستان از جانب امپریالیسم و جریانات همپیمان کرد آنها اجرا می شود یا تبلیغ می گردد . اگر بورژوازی کرد و جریانات خرده بورژوازی کرد گاه و بیگاه علیه امپریالیسم موضعگیری می کنند بخاطر این است که سرمایه جهانی را اقناع کنند که کردستان از هر جهتی از نظر ژئوپلیتیکی گرفته تا سیاسی و اقتصادی و اجتماعی و ... آنقدر که می تواند برای منافع و مصالح آنها بکار آید و مفید باشد ، صد برابر نیز می توان برای منافع و مصالح امپریالیسم و سرمایه جهانی خطر ساز باشد . pkk نیز به

وضوح و روشنی بدنبال چنین سیاستی است و دفاع از این جریان از منافع خرده بورژوازی شهر و روستاهای کردستان ترکیه بعضی اوقات در تضاد و دشمنی با بورژوازی بزرگ کرد قرار گرفته همچون جنگ با جریانات بورژوایی کرد در جنوب کردستان یا کردستان عراق همچون حزب دمکرات کردستان عراق و اتحاد میهنی کردستان که این دو جریان بورژوایی کرد با تمام نیرو و توان خویش تلاش نمودند تا خرده بورژوازی پائین و متوسط شهر و روستای کردستان ترکیه و سیاسی که منافع آنانرا نمایندگی میکرد را به زیر سلطه خویش درآورند . ماهیت جنگ جریانات کرد ناسیونالیست در هر بخش با چنین معیاری می بایست مورد ارزیابی قرار گیرد ، نه چیز دیگری ، بخاطر اینکه برنامه و تاکتیکهای آنها بطور عام فرق و اختلاف زیادی با یکدیگر ندارد و تنها منافع و مصالح اقتصادی سیاسی و اجتماعی است که موجب اختلاف و

جنگ و درگیری مابین آنها خواهد شد . pkk هر چند جریانی کارگری و رادیکال محسوب نمی گردد ، اما بدلیل اینکه منافع اقشار خرده بورژوازی پائین و متوسط شهر و روستاهای کردستان ترکیه را در مقابل بورژوازی حاکم وابسته به امپریالیسم نمایندگی میکند در صف انقلاب جای دارد و نمایانست معیار ارزیابی خویش را بر این مبنا قرار دهیم که چون جریانی مارکسیست _ لنینیست نیست پس ضد انقلاب است . روند رو به پیش مبارزه طبقاتی مسیر هر جریان سیاسی را مشخص خواهد نمود و تعمیق و حاد شدن تضاد طبقاتی جریانات سیاسی را وادار خواهد ساخت تا موضعگیری نمایند . حتی اگر مواضعشان بسیار چپ و رادیکال باشد اما ممکن است در پراتیک بسیار راست عمل نمایند . به همین خاطر معیار ارزیابی ما بعنوان مارکسیست _ لنینیست تئوری انقلابی همراه با پراتیک انقلابی است نه تنها تئوری انقلابی بدور از پراتیک و یا پراگماتیسم صرف .

مبارزه برای خواست های عمومی دموکراتیک و پیش برد پیگیر و رادیکال آن ، از مبارزات طبقه کارگر برای آزادی و برابری جدائی ناپذیر است ، به این منظور طبقه کارگر میباید ضمن حفظ استقلال طبقاتی خود به سازماندهی خواستهای عمومی ، دموکراتیک در سطح وسیعتری اقدام کند و سهم خود در جهت وحدت بخشیدن به این مبارزات در اشکال خاص خود ، نظیر جبهه مبارزه برای آزادیهای دموکراتیک و اتحاد عمل های مقطعی و سازماندهی نشریات و تشکل های دموکراتیک کوشی کند

آخرین اخبار و گزارشات ، مقالات ، اطلاعیه ها و نشریه ریگای گل را از وبسایت کار آنلاین دریافت کنید ...
www.kare-online.org

دریاچه اورمیه در شمال غربی ایران واقع شده‌است. این دریاچه بزرگ‌ترین دریاچه داخلی ایران و دومین دریاچه آب‌شور دنیا است. آب این دریاچه شور بوده و عمدتاً از رودخانه‌های زرینه‌رود، سیمینه‌رود، گادر، باراندوز، شهرچای، نازلو و زولا تغذیه می‌شود این دریاچه در خطر خشک شدن کامل قرار دارد و طی ۱۳ سال گذشته ۶ متر کاهش سطح داشته‌است. عوامل بسیاری در خشک شدن این دریاچه وجود دارد. از جمله آن امر

گزارشی رسیده از تبریز . درباره خشک شدن دریاچه اورمیه و تاثیرات آن بروی زندگی توده ها

(۱.۱ ف)

کارگر اسکله و ... که با نابودی دریاچه و از بین رفتن موقعیت های شغلی زندگی آنها نیز رو به نابودی خواهد رفت. طی سال های گذشته فعالان محیط زیست و مبارزان آگاه از طریق برگزاری کمپین ها، نشریات و تظاهرات فشار

های زیادی را به دولت آوردند. تا جایی که این مشکل به مجلس نیز کشیده شد. و طی هفته های گذشته نمایندگان مجلس با دو فوریت طرح

جلوگیری از خشک شدن دریاچه اورمیه از راه انتقال آب از رودخانه های آراز (ارس) و سیمره، مخالفت کردند. به دنبال آن، روز پنجم شهریورماه ۱۳۹۰ مردم اورمیه و تبریز دست به تظاهرات اعتراضی زدند اعتراض کنندگان که به صورت مدنی و با شعار های (دریاچه اورمیه جان میدهد. مجلس فرمان قتلش را میدهد ... یا هم گریه میکنیم. و دریاچه را پر میکنیم) توسط عوامل رژیم سرمایه داری مورد ضرب و شتم قرار گرفتند. موتورسواران، پلیس ضد شورش ، و نیروهای لباس شخصی به سوی مردم گاز اشک آور و گلوله های پلاستیکی پرتاب کردند و اعتراض کنندگان خشم خود را با آتش زدن موتور سیکلت ها پلیس نشان دادند. در این درگیریها ده ها نفر زخمی شده و روانه بیمارستان شدند که از نکات قابل توجه آن می توان به ربوده شدن زخمی ها از بیمارستان توسط اطلاعاتی ها اشاره کرد همچنین در این جریان صد ها نفر بازداشت شدند. رژیم می پنداشت این اعتراضات را توانسته مهار کند. اما فعالین با صدور بیانیه ای شنبه 12



سدهای ساخته شده بر روی رود های منتهی به دریاچه می باشد. خشک شدن دریاچه اورمیه خطر تبدیل شدن قسمت زیادی از زمین های کشاورزی آذربایجان و کردستان را به نمزار را به همراه دارد. در صورت عدم اقدام موثر در نجات دریاچه اورمیه این بمب نمکی 8 میلیارد تنی مشکلات بسیاری عدیدهای ایجاد می‌کند، با توجه به میزان بالای نمک دریاچه، در صورت خشک شدن و ورزش بادهای حاوی نمک به سمت شهرها و زمین کشاورزی اطراف دریاچه، بسیار مخرب خواهد بود. باید دقت داشته باشیم وجود نمک در شهرها، تخریب ساختمان ها و خودروها را به دنبال دارد، این مهم موجب شور شدن زمین های کشاورزی شده و آنها را از حیث انتفاع خارج می‌کند و این مشکل سبب بروز و پدیدار شدن انواع بیماری ها و مشکلات می‌گردد که مسلمان هزینہ‌های سنگینی را بر جامعه متحمل می‌سازد. در این بین فعالین محیط زیست به سهم خود تلاش های بسزایی داشته و گاه دولت را مجبور به موضع گیری هایی در مسیر ایجاد شرایط مناسب تر برای ادامه زیست دریاچه نموده اند، کما اینکه این موضع گیری های مثبت، دائماً پوچ و پوشالی از کار در آمده اند. واقعیت

این چنین است که دولت سرمایه داری مرکزی از راه نابودی و استفاده بی امان دریاچه، تغذیه مناسبی داشته و تا آنجا که سرمایه داری به منافع خویش باز می گردد از نابودی هیچ چیز دریغ نخواهد نمود. برای نجات دریاچه باید جنبش توده ای در حرکت باشد. آری. مبارزه برای رهایی دریاچه اورمیه از چنگال مرگ نه تنها ارتجاعی نیست، آنچنان که بسیاری چنین پنداشته و آنرا در نفع مناسبات ارتجاعی ماقبل سرمایه داری و دوران ارباب رعیتی کشف می کنند، بلکه به دلیل آنکه این دریاچه و اکوسیستم اطراف آن میزان بالایی از منافع سرمایه داری منطقه و دولت را تأمین می کند در هر گام به پیش می تواند و اجباراً رو در روی سرمایه داری و دولت حامی منافع آن یعنی جمهوری اسلامی قرار می گیرد. امروز دفاع از محیط زیست امر کارگران و زحمتکشان است. اکوسیستم دریاچه اورمیه نه امری مقدس که زندگی روزانه ی هزاران هزار کارگر و زحمتکش را در اطراف آن، سالهاست که تأمین می کند، هزاران هزار کشاورز،

کشاورزی آذربایجان و کردستان را به نمزار را به همراه دارد. در صورت عدم اقدام موثر در نجات دریاچه اورمیه این بمب نمکی 8 میلیارد تنی مشکلات بسیاری عدیدهای ایجاد می‌کند، با توجه به میزان بالای نمک دریاچه، در صورت خشک شدن و ورزش بادهای حاوی نمک به سمت شهرها و زمین کشاورزی اطراف دریاچه، بسیار مخرب خواهد بود. باید دقت داشته باشیم وجود نمک در شهرها، تخریب ساختمان ها و خودروها را به دنبال دارد، این مهم موجب شور شدن زمین های کشاورزی شده و آنها را از حیث انتفاع خارج می‌کند و این مشکل سبب بروز و پدیدار شدن انواع بیماری ها و مشکلات می‌گردد که مسلمان هزینہ‌های سنگینی را بر جامعه متحمل می‌سازد. در این بین فعالین محیط زیست به سهم خود تلاش های بسزایی داشته و گاه دولت را مجبور به موضع گیری هایی در مسیر ایجاد شرایط مناسب تر برای ادامه زیست دریاچه نموده اند، کما اینکه این موضع گیری های مثبت، دائماً پوچ و پوشالی از کار در آمده اند. واقعیت

شهریور، مردم را برای تظاهراتی دیگر دعوت کردند. این تظاهرات از ساعت 18:30 و با شروع توفانی اعتراضات از سمت راسته کوچه شروع شد. نیروهای بسیجی و ضد شورش با وحشیتی بی سابقه در طول سی سال گذشته، به مردم معترض حمله ور شدند. حتی کودکان و زنان عابر بی دفاع نیز به شدت مورد ضرب و شتم ماموران قرار گرفته ند. شدت قیام در بخشهای مرکزی شهر، تمام شهر را ملتهب کرده بود. به دلیل شدت و سرعت قیام در بخشهای مرکزی، سراسر شهر دچار التهاب گسترده ای شده و مردم در دفاع از جان و ناموس خود در حال سرازیر شدن به خیابانها در محلات دیگر بودند. از نکات دیگر این اعتراضات درگیری و برخورد عابری با لباس شخصی ها و بسیجی ها بود. که منجر به زخمی شدن بسیجی ها شد. در این اعتراضات تعداد زیادی از اعتراض کنندگان زخمی شدند که توسط مردم به بیمارستان منتقل شدند. این اعتراضات در حالی صورت گرفت که تبریز تبدیل به پادگان نظامی شده بود و مردم با وجود شلیک گاز اشک آور و گلوله های پلاستیکی در خیابانها و میدانی اصلی به تظاهرات مسالمت آمیز خود ادامه دادند. جمهوری اسلامی بار دیگر چهره ی واقعی خود را نشان داد و لکه ننگی در کارنامه سیاه خود ایجاد کرد. از این رو مردم قهرمان تبریز و اورمیه مخالفت خود را با رژیم کثیف اسلامی اعلام کردند و نشان دادند که تا آخرین نفس در راه آزادی و سربلندی مبارزه میکنند. به امید پیروزی و اتحاد تمامی خلقهای تحت ستم.

در جامعه ای که سود جوئی . ثروت اندوزی فردی و رقابت . میانی فعالیت های اقتصادی را تشکیل می دهد طبیعی است که از منابع طبیعی غیر قابل جایگزینی بشکل بی رویه بهره برداری می شود و محیط زیست تابع مظاهر سرمایه داران و ثروت اندوزان می شود .

نابودی محیط زیست ضایعه ایست که سرمایه داری به ارمغان آورده است .

سوسیالیسم به آینده بشریت و معادت نسل های آینده نظر دارد . با اجتماعی شدن تولید و مبادله . امکان سازماندهی تولید با کمترین ضایعات زیست محیطی بوجود می آید . تولید به شیوه ای که کمترین آسیب را به محیط زیست برساند . یکی از جنبه های تولید سوسیالیستی است و کوشش برای حفظ محیط زیست و تغییر شیوه های تولید و سازگاری آن با محیط زیست از اهداف تکامل اقتصادی و اجتماعی در جمهوری شورائی جدایی ناپذیر است .

اخبار سیاسی - اجتماعی ترکمن (به رنگ)

آخرین اخبار و گزارشات مربوط به ترکمنستان 20 مرداد

تجدید کارگران فولاد همدان در اعتراض به پرداخت نداشت حقوق معوقه به گزارش یگانه خدیجی بخاری. اعتراضات از کارگران فولاد همدان با جمع مطالب فرمانداران این شهرستان

برای رویت آخرین اخبار و گزارشات کارگران - دانشجویان - ستم ملی - زنان - ایران و جهان به این وبلاگ مراجعه کنید این اخبار و گزارشات روزانه است

<http://behrang12.blogfa.com/>



اورمی گولو نیلر بویودور کی سوسوزلیقدان یانیر

آذربایجاندا نوزوره ن حرکتلره قاریشیب وئوز حقیقیزده ن مدافعه ندک «اورمی گولو نیلر بویودور کی سوسوزلیقدان یانیر» یه تیشن خبرلره گوره آذربایجان شهرلرینده نوزوره ن 5 شهر یور حرکتلری رژیمین امنیتی و انتظامی قوه لرینین وحشی سرکوبیلا مواجه اولوب . یوزله رانسان یاخلائیب واونلار نفر یارالانیب و بیر نچه نفر ده شهید اولوبلار.

آذربایجان خالقینین اورمو دریاچه سینین دولتین غلت سیاستینین نتیجه سینده قوروماقینا اعتراض ند مک بویوک حقه مالیکدی .ارومودریاسینا گوره اپاریلان سیاست حکومت طرفیندن اگر دوام تپا، یقین که آذربایجان نولکه سی بلکه ده چوخ وسعت ده آیری نولکه لر بویوک زیست محیطی فاجعه ایله مواجه اولابیلر . ایندییه قدر نچه دفعه آذربایجانین تبریز و اورمو شهرینده دولتین اورومودریاسینین قوروماقینا توجه اله مه مسینه گوره اعتراض اولوب و اما میللتین سوزونه قولاق ویره ن اولمویوب . آذربایجان خالق وئونون بویوک شهرلرینده یاشیان اینسانلارین حیاتینه توجه ندمین دولت 5 شهر یورده نونلارین یغینجالارینا چوماق و گوشه ایله جواب ویریر . آیدین دیرکی بونلار آذربایجان خالقینین قورخوسوندان بیله بیر تشبثاته ال ویریلار . یوخسا اورموگولونون گوروماغینین خطر اتینه گوره ال اعتراضا ویرماق قاباغیندا بیله بیر وحشیگری نیه لازیمیردی؟ نونلا ریاخشی بیللر کی آذربایجان خالقینین حرکتی ایرانین آیری شهرلرینده تریده بیلر . نونلار آنیلار کی بیله بیر وضعیت وشرایط ده بو ایستکلر چوخ تیزلینن وسعت تاپیب آیری آز ادلیخ و برابرلیک ایستکلره دامن ویرابیلر و بواعتراضلار دا اگر دوام تاپسا بویوک تظاهرات و مداوم حرکتلره تبدیل اولابیلر . اما اونلار غافلیدیلر کی ایاقا قالخان میللتین قاباقین توپ ، توفنگین و ویریب نولدریمکینن آماق اولماز و در نهایت بو مرتجعلر ، مستبدلر و قان سویان زالو صفت قشرلردیر کی نابود نولوب و کنتملیدیلر . یاشاسینآذربایجان خالقینین آز ادلیق و برابرلیک یولوندا آیران مباریزه سی بیرلشمیش کمونیست فدائیلرین آذربایجان کمیته سی 10شهر یور 90

ریگای گهل ارگان کمیته کردستان سازمان اتحاد فدائیان کمونیست
آخر هر ماه به دو زبان کردی و فارسی منتشر میشود .
ارشو ریگای گهل را در اینترنت از سایتهای زیر دریافت کنید

www.fedayi.org

www.kare-online.org

برای تماس با سازمان اتحاد فدائیان کمونیست و یا ارگانهای آن با یکی از آدرسهای زیر تماس بگیرید

webmaster@fedayi.org..... **روابط عمومی**

tehran@fedayi.org..... **کمیته تهران**

karaj@fedayi.org..... **کمیته کرج**

azer@fedayi.org..... **کمیته آذربایجان**

kurdistan@fedayi.org..... **کمیته کردستان**

paltalkroom@fedayi.org..... **مسئولین پالتاک**

panahjo@fedayi.org..... **کمیته امور پناهندگی**



خاوران



یادگار هزاران ستاره بخون خفته خلق

مرکز ایران زد. رژیم در هراس از خروش توده ها و اعتراض آنان در برابر چنین وحشیگری بی نظیری تمامی زندانیان سیاسی را از سرتاسر ایران طی ماه مرداد و با شروع عملیات فروغ جاویدان از جانب سازمان مجاهدین خلق ایران در اطراف شهر کرمانشاه جمع نموده و به زندانهای تهران و شهرهای تابعه آن منتقل نمود. در مرداد و شهریور سال 1367 بدنبال فرمان خمینی جنایتکار و خونخوار، جلادان جمهوری اسلامی هزاران ستاره اسیر در سیاه چالهای قرون وسطایی شب پرستان را به گلوله بستند و در صدها گور دستجمعی نظیر خاوران در نزدیک شهر تهران مدفون نمودند. به این خیال که مدت زمانی دیگر میتوانند

خدمتکاران مخلصی برای منافع و مصالح مفت خوران و امپریالیستهای حامی آنان باشند و برای نیل به این منظور هزاران انسان مبارز که پاکترین و شریفترین فرزندان خلق را تشکیل میداند را دستجمعی کشتار نمودند و کشورهای مدافع حقوق بشر نیز که در برابر کشتارهای خرداد سال 60 سکوت را برگزیده بودند و بی شرمانه خود را بی اطلاع نشان می دادند، بار دیگر و در سال 67 در طمع غارت سرمایه های ملی خلقهای ستمدیده ایران چراغ سبز کشتار وحشیگری را به رژیم خونخوار جمهوری اسلامی نشان دادند. و شب پرستان حاکم بر

خلاصی از وجود هزاران زندانی سیاسی که بعد از آزادی از زندان

نفرت بر جلادان شب پرست! در مرداد و شهریور سال 1367 بعد از اتمام جنگ ناعادلانه و ضد خلقی دولتهای ایران و عراق و سرکشیدن جام زهر از جانب خمینی جنایتکار و قبول قطعنامه آتش بس، رژیم هراسان جمهوری جهل و جنایات اسلامی از ترس گسترش مبارزات توده ای و اعتراضات مردمی که در طی هشت سال جنگ خائنانانه با دولت عراق توانسته بود به بهانه دفاع از دین و خاک و میهن آنرا سرکوب نماید و هر صدای اعتراضی را به اتهام خدمت به بیگانگان و کفار خفه نماید، این بار و پس از آتش بس با دولت

**آزادی بسوی ما
گام بر می دارد.
از فراسوی چشمه
های خون
از فراسوی پیکرهای
خون آلود
از فراسوی طوفانها
طوفانهای لجام
گسیخته**

میهنمان در مدت زمان کوتاهی قریب به سی هزار زندانی سیاسی را که اکثریت آنان را زندانیان سیاسی مجاهد و فدایی تشکیل میدادند در زندانهای مخوف خویش کشتار نمودند.

نیروی بالفعل علیه رژیم بمنظور سرنگونی آن در روند مبارزات روبه گسترش توده ها را تشکیل میداد دست به قتل و عام وحشیانه و بی رحمانه هزاران زندانی سیاسی در سرتاسر ایران و بخصوص در

عراق وجود هزاران زندانی سیاسی را در شرایط گسترش مبارزات اعتراضی توده ها که سالهای سال به بهانه های مختلف سرکوب شده بود، به ضرر و زیان خویش دانسته و برای زهر چشم گرفتن از مردم و

بسیاد صمد آموزگار سرخ زندگی!

9 شهریور ماه مصادف است با شهادت جبران ناپذیر صمد بهرنگی نام آشنای جنبش انقلابی ایران.

صمد چهره ای آشنا و ماندگار در تاریخ مبارزات انقلابی نوین خلق ماست. او نه تنها یک معلم و نویسنده انقلابی بود، بلکه سمبل و الگوی انقلابیون میهن ما است.

صمد اسطوره واقعی و آئینه تمام نمای یک کمونیست فداکار بود صمد را باید در اندیشه، زندگی مبارزاتی و آثارش شناخت،

زندگی افسانه ای صمد با ارس آغاز گردید در سکوت مرگبار دشت حرکت یافت. از دره ها گذر کرد، از کوهها بالا رفت و در تنگی شتاب گرفت. با صخره ها بستیز

برخاست و از پیچ و خمها گذشت کوره رها را پشت سر نهاد مانند طوفان چرخید و پیچید. دیار به دیار گشت و از آشنا و غریبه سراغ گرفت، هر ناکجا آبادی را

شناخت و از دورترین قریه های آذربایجان سر در آورد. در دوران تب و تاب و ظلمت در سیاهی شب خوفناک دیکتاتوری

صمد شمع شد فروزان، هر کجا رفت نور امید در دلها نهاد. آموزگار سرخ زندگی شد و بنام یک معلم آگاه انقلاب در کنار کودکان آذربایجانی کلاس آموختن را

گشود. اما کلاس صمد نه در حیطة یک اتاق مدرسه، بلکه در تمامی پهنه میهن بود که کلام صمد جاری میشد. درسهای صمد و هر آموختن آن خود پهنه ای بود جانبخش

، مگر صمد چه میگفت که هر کس در مبارزه قدم میگذارد از او آغاز میکرد، چه میگفت که گفتارش از گرمی نیافتاد.

صمد که بود و چه کرد که اندیشه هایش مداوم و هنوز هم در متن مبارزه امروزی جاریست صمد فرزند زحمتکشان بود. با

مردم و از میان مردم بود. عصاره پاکي و شرافت، مظهر ایمان و صداقت بود. او نمونه بارز یک مارکسیست بود. صمد هر آنچه از مارکسیسم آموخت بزنگیش بسط میداد. کوره گداخته مبارزه و سختیها آبدارش

میساخت و در کارگاه تجربه صیقلش میداد. من چه تاثیری بروی دیگران داشته باشد. رفیق صمد بهرنگی، آموزگار انقلابی، فرزند گرانقدر خلق زندگی خود را وقف

انقلاب و رهائی توده های زحمتکش میهنان نمود. در انتها و عمق رود صمد بکام ارس فرو رفت. صمد ستاره شد و دنباله دار باقی ماند. صمد جاودانه شد. ارس صمد را به کام خود فرو کشید و قلب صمد بهرنگی آموزگار انقلابی، نویسنده و یکی از پایه گذاران ادبیات بالنده در ایران در رودخانه از تپش باز ایستاد.

مرگ جانسوز صمد، با خود توده های محروم شهرها و روستاها، روشن فکران و هنرمندان

انقلابی و کودکان پا برهنه و کهنه پوش را در سوگ برد اما آتش اندیشه های او در جان و دل رنجدیدگان شعله کشید و جوانه های امید به هستی واقعی در دنیای نوین

رهائی انسان که زندگی و مرگ صمد نوید بخش آن بود را بارور ساخت، به نحوی که صمد در جان و دل میلیونها و نسلهای ریشه دواند و جاری گشت.

صمد که نیروی کار و تلاش های خستگی ناپذیرش را از متن زندگی واقعی بر میگرفت بر این باور نیز بود که برای دگرگونی و تحولات اجتماعی میبایست انگیزه های عنصر پیشتان دوران با واقعیت زندگی در هم آمیزد و در متن آن با جامعه پیوند خورد. از این رو او با وجودی مالا مال از جوهره جسارت و از خودگذشتگی ابرهای موهوم و تخدیر کننده فرهنگ مبتذل و وارداتی حاکم را از هم

درید و با نقشی فعال و نگرشی ژرف به بنیانهای جامعه و تضادهای آن تمامی سعی اش را در زندگی کوتاه ولی پر بارش بکار بست تا احساسات و کینه طبقاتی را در بین اقشار محروم جامعه از کودک و پیر و جوان برانگیزد و با درک ارزشهای واقعی ((چگونه بودن)) را بدانها بیاموزد.

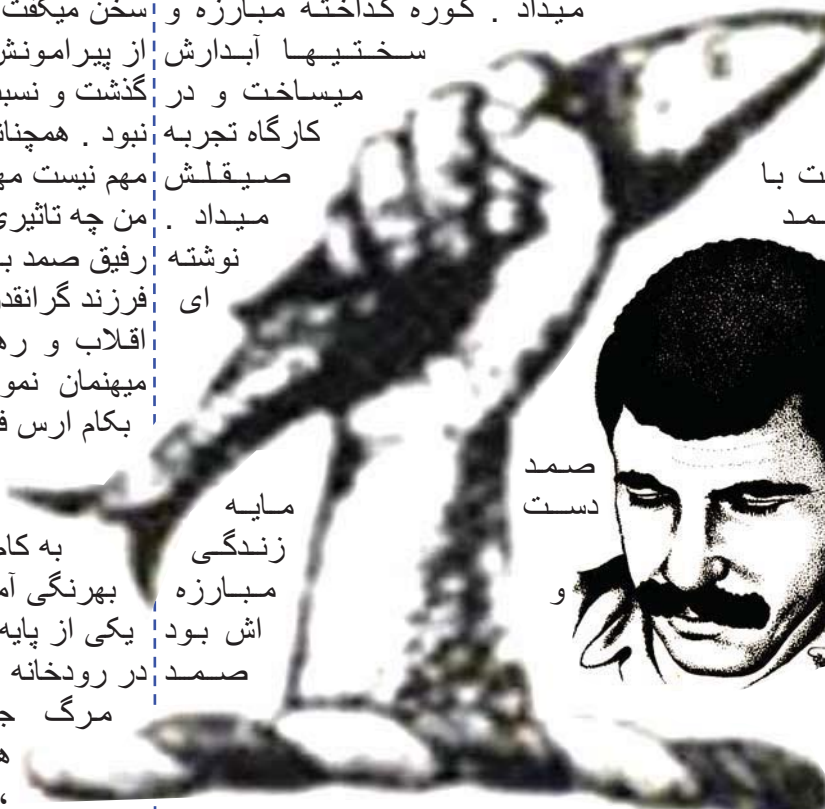
درد توده ها را شناخته بود. زندگی اش با زندگی توده ها عجین و تصویر گر درد و رنج از سوئی و مبارزه از سوئی دیگر بود.

صمد با درک وسیع از دگرگونی بنیادهای اجتماعی، نوشته هایش را برای چیز گفتن و صرفا بیان داشتن اندیشه های فردی اش عرضه نمیکرد. صمد در سراسر نوشته ها و آثارش سخن حرکت و تغییر دادن، ساختن، دگر سازی و دگرگونی را به

زبانی ساده به ما می آموخت. از این رو آثار صمد نه برای سرگرمی بلکه برای انقلاب بود و هست. در افسانه دریا و ماهی سیاه کوچولو سمبلی از قهرمانی و شجاعت و اراده و پشتکار عزم راسخ و فداکاری را در قالب آرمانخواهی انقلابی

بنمایش در گذارد. با تعمق در آن میتوان به سه ژرفای اندیشه های سترگ صمد پی برد. در کندوکاو در مسائل تربیتی نظام آموزشی و ویژگیهای فرهنگ منحن استعماری دستاورد امپریالیست ها را بباد انتقاد گرفت و تصویری از آموزش نوین و فرهنگ

مترقی و بالنده را بیان داشت. صمد آثار بسیار ارزنده ای دیگر خلق کرد اما مهمترین اثرش زندگیش بود صمد



صمد دست و

مایه زندگی مبارزه اش بود صمد

عاشق توده ها بود از آنها میآموخت و به آنها آموزش میداد او نه در خود و برای خود بلکه در توده ها و برای توده ها بود. از احساسات و امید و آرزوهای توده ها سخن میگفت و برای توده های مینوشت، از پیرامونش بسادگی و بی توجه نمی گذشت و نسبت به اطرافیانش بی تفاوت نبود. همچنانکه میگفت زندگی یا مرگ من مهم نیست مهم این است که زندگی یا مرگ من چه تاثیری بروی دیگران داشته باشد.

رفیق صمد بهرنگی، آموزگار انقلابی، فرزند گرانقدر خلق زندگی خود را وقف انقلاب و رهائی توده های زحمتکش میهنان نمود. در انتها و عمق رود صمد بکام ارس فرو رفت. صمد ستاره شد و دنباله دار باقی ماند. صمد جاودانه شد. ارس صمد را به کام خود فرو کشید و قلب صمد بهرنگی آموزگار انقلابی، نویسنده و یکی از پایه گذاران ادبیات بالنده در ایران در رودخانه از تپش باز ایستاد.

مرگ جانسوز صمد، با خود توده های محروم شهرها و روستاها، روشن فکران و هنرمندان

انقلابی و کودکان پا برهنه و کهنه پوش را در سوگ برد اما آتش اندیشه های او در جان و دل رنجدیدگان شعله کشید و جوانه های امید به هستی واقعی در دنیای نوین

رهائی انسان که زندگی و مرگ صمد نوید بخش آن بود را بارور ساخت، به نحوی که صمد در جان و دل میلیونها و نسلهای ریشه دواند و جاری گشت.

صمد که نیروی کار و تلاش های خستگی ناپذیرش را از متن زندگی واقعی بر میگرفت بر این باور نیز بود که برای دگرگونی و تحولات اجتماعی میبایست انگیزه های عنصر پیشتان دوران با واقعیت

زندگی در هم آمیزد و در متن آن با جامعه پیوند خورد. از این رو او با وجودی مالا مال از جوهره جسارت و از خودگذشتگی ابرهای موهوم و تخدیر کننده

فرهنگ مبتذل و وارداتی حاکم را از هم درید و با نقشی فعال و نگرشی ژرف به بنیانهای جامعه و تضادهای آن تمامی سعی

اش را در زندگی کوتاه ولی پر بارش بکار بست تا احساسات و کینه طبقاتی را در بین اقشار محروم جامعه از کودک و پیر و جوان برانگیزد و با درک ارزشهای واقعی

((چگونه بودن)) را بدانها بیاموزد.

چه هدفی و برای چه ؟

قدرتمند و توده ای کار ایدئولوژیکی نیز انجام میدهد .
 به سازمانهای تنها انجام کار تئوریک ، نه ویژگی
 کوچک امروزی نه تشکیلات سیاسی ، بلکه ویژگی شکل
 تنها امید به آینده بهتر - تحقیقی و از این دست تشکیلات است .

حتی برای اعضا فعال این سازمانها به همین خاطر از این نقطه نظر طرز
 موجب نمیگردد- بلکه موج ناامیدی در تفکری که معتقد به اول از همه حل
 ادامه چنین وضعیتی بخصوص اینکه بحران و سپس عمل است ، در عمل
 میدان فعالیت ما هر روز کوچک و سیاست از میان رفتن چپ در تمامی
 کوچکتر میگردد و تنها به انتشار جوانب آن است . پراتیک اجتماعی
 نشریه یا چند اعلامیه و آکسیون در روشن و آشکار و در این زمینه اتحاد
 خارج از کشور محدود میگردد را عمل چپ ، تنها مسیری که توانایی ،
 همراه دارد . اینها تماماً توجه نیروها امکانات و نیروی لازم در این مقطع
 را بسوی خویش جلب نخواهد ساخت برای حل مشکلات چپ می تواند آماده
 چه برسد به جذب نیروهای جدید بسوی سازد . از سوی دیگر ، پراتیک
 جنبش ! اصولی و هدفدار تشکیلاتی در درون

تنها نیروی متحد ما میتواند و همواره جنبش ، مرزبندی مشخصی با
 قادر است روند عکس داخلی حال آکسیونیسیم و پراتیک برای پراتیک
 حاضر سازمانهای سیاسی را متوقف صرف دارد . ماهیت فعالیت ما بعنوان
 سازد و از انشقاق تشکیلاتی جلوگیری یک تشکیلات میبایست در شرایط
 نماید و گروهی را بوجود آورد که کنونی وجود پویا و فعال در جریان
 قادر باشد نقش خویش را در وقایع و وقایع و مسائل کنونی روزانه همراه با
 سیاسی به طور مؤثر ایفا نماید . فعالیت تئوریک در زمینه های سیاسی

ما بعنوان یک تشکیلات بایستی موتور و ایدئولوژیک در مسیر اهداف
 چنین طرز فکر و نگرشی در جنبش مشخص و روشن باشد . یعنی : 1.
 ایران باشیم و با تمام امکانات خویش کار و فعالیت تئوریک و سیاسی برای
 در گسترش چنین بینشی و تبدیل آن به تحقق چپ متحد ، با فرهنگ روشن و
 عمل بکوشیم . از اتحاد عمل تا شفاف سیاسی و ایدئولوژیک . 2.
 برگزاری حتی مباحثات عمومی با سازماندهی و شمارکت در فعالیتهای
 فعالین جنبش از هر سازمان و با هر عملی علیه جمهوری اسلامی ، اتحاد
 طرز فکری ، تا اتحادهای پایدار با عمل بر سر مسائل مرتبط با سرنوشت
 نیروهای همسو ، خطوط راهمان را توده های مردم ایران . 3. دفاع از
 تشکیل دهیم . به همین خاطر ماهیت مبارزات توده ای علیه حکومت
 فعالیت ما در موقعیت کنونی ، جهت جمهوری اسلامی و مطالبات آنها در
 دار کردن فعالیتهای عملی و هدفدار مقابل رژیم ، جهت و سو دادن به این
 کردن آن بمنظور غلبه بر بحران چپ مبارزات بمنظور سرنوشتی رژیم و
 و اتحاد صفوف آن است . اما بحران استقرار دموکراسی .

چپ دارای جهات مختلفی است و پیش ما بعنوان یک تشکیلات میتوانیم و
 از هر چیز بحران ساختاری و میبایست در تلاش و کوشش برای
 ایدئولوژیکی مهم است . آزادی و نجات توده ها از اسارت
 چگونه میتوان جهت گیری در کار جمهوری اسلامی ، نقش مؤثر خویش
 اتحاد را با حل معضلات ساختاری و را ایفا نمائیم . بدون آنکه در مورد
 ایدئولوژیکی را با هم پیوند داد ؟ وظایف و مرزهای کار و فعالیت
 چپ جریانی ایستا نیست ، تشکیلات خویش اغراق کرده و خیال پردازی
 سیاسی ، تنها در جریان عمل اجتماعی نمائیم .

ما قبلا نیز گفته ایم که هدف ما ، تشکیلات حزب کارگران ایران
 است . بایستی تمام تلاش خویش را برای تحقق این هدف بکار گیریم . ما
 قدمهای زیادی برای نیل به این هدف برداشته ایم . اکنون نیز صراحتاً
 خواهیم گفت که بدون تلاش و کوشش برای نیل به این هدف هیچ گونه وظیفه
 خاصی برای هر کدام از جریانات مورد نظر ما متصور نیست . اما آیا
 این بدان معنا است که تا تشکیل چنین حزبی و بدون تحقق آن در مدت زمانی
 کوتاه ، ما بعنوان یک تشکیلات هیچ وظیفه دیگری پیش روی نداریم ؟ یقیناً
 پاسخ این نیست ، بر عکس این هدف تنها زمانی عملی خواهد گشت که ما
 واقعا بعنوان یکی از ستونهای چنین حزبی به وظایف خویش آگاه باشیم و با
 هوشیاری و پافشاری از همین امروز برای اهداف چنین حزبی قدم برداریم .

امروزه بر هیچ کسی پوشیده نیست که نه تنها سازمان ما بلکه تمامی جنبش
 چپ عموماً جنبش خارج کشوری می باشد . اکنون مدت مدیدی است که نه
 تنها ما ، بلکه بطور اساسی تمامی سازمانهای سیاسی ، نه روند رشد و
 گسترش بلکه روند فرسایشی داخلی را از سر میگذرانند . دست کشیدن از کار
 و فعالیت بی هدفی در حد غیر قابل تصویری گسترش یافته . دوری جستن
 از تشکیلات به حالتی از شخصیت تبدیل گشته است . بخشی از این مسئله
 به عقب نشینی جنبش ما مربوط می گردد و استیایی موقت جنبش توده ای
 و ناتوانی آن در مقابله با سرکوب رژیم . اما بخشی دیگر آن به مسئله
 عملکردهای داخلی جنبش ما ، انشعابات متعدد و یکی پس از دیگری
 ، پیچیدگی اوضاع سیاسی - ایدئولوژیک و تشکیلاتی آن بر خواهد
 گشت . تغییر مستمر سازمانهای



**۱۱ سپتامبر ،
سند خیانت و
جنایت
امپریالیسم
آمریکا در
شیلی**

امروزه بخصوص در روز 11 سپتامبر در رسانه های گروهی حتی یک کلمه از نئولیبرالیسمی که برشیلی تحمیل کرده اند صحبتی در میان نیست اگر چه سالها پیش همبستگی با شیلی آنچنان انعکاس بین المللی ای داشت که این همبستگی نقطه قوتی برای جنبش ضد دیکتاتوری در شیلی به حساب می رفت . امروزه اما کلمه ای درباره حاکمیت وحشیانه رژیم

نئولیبرالیسم در همه ارکان جامعه دنیا محسوب می شود به دست کمپانیهای بین المللی افتاد . خصوصی شدن صنایع در این سال شروع شد . ده خانواده بزرگ شیلی سرنوشت کشور را به دست گرفتند . خانواده آنجلینی با رد دست داشتن بیش از سه میلیارد دلار بخش بزرگی از صنایع مس را خرید و خانواده لارایم با چهار میلیارد دلار به تاراج صنایع نساجی پرداخت که اینها همه بخش از برنامه از پیش تعیین شده آنها بود . در این مدت میزان فقر در جامعه به 70 درصد رسید 35 درصد مطلق رابه جامعه تحمیل کردند و بسیاری از کارگران از روی بیکاری به مشاغل غیرتولیدی روی آوردند . بیمه درمانی کشور به دست کمپانیهای بزرگ اسپانیای ، سعودی و امریکای شمالی رسید . آب ، طبیعت ، رودخانه ها ، جزایر ، پلها ، صنایع پرورش ماهی تمامی سیستم آموزش و پرورش ، همه اینها از بیخ و بن خصوصی شدند . آنچه نقش مهمی برای برابری جامعه ایفا کرد . رل وی در سیستم آموزش و پرورش یک نمونه است . زمانی که وی دانشجوی پزشکی بود ، تلاش برای بوجود آوردن بهداشت همگانی را دامن زد . کودتا در واقع ادامه تلاشی بود برای از بین بردن تمامی دستاوردهای دوران حکومت آئنده سازمان داده شده بود . همانطور که در اروپا هم شاهد هستیم ، امروز

پینوشه چیزی نوشته نمی شود مگر در 11 سپتامبر که به 1973 به عنوان یک موضوع تاریخی نگاه می کنند . اما این کافی نیست ، رسانه ها در تلاش بوده اند نقش آئنده را کم رنگ کرده و آنرا وارانه نشان داده و مدعی شوند که آئنده خود درخواست حمایت مردم و کارگران را پس زده و حتی در مطبوعات ارتجاعی علیه وی سمپاشی انجام گرفت . لازم است تاکید شود که این سمپاشی ها دروغ محض بوده و تماما هدفش تضعیف حرکت های توده ها علیه نظامهای ارتجاعی بوده است قبل از 11 سپتامبر 1973 ماهها و سالهای قبل از آن و حتی بعد از این تاریخ در شیلی کارگران آگاه دهقانان ، دانشجویان همه حمایت یکپارچه خود را از آئنده اعلام کردند . در این مقطع اعتصابات سراسری علیه طرح خصوصی کردن وجود داشت و موج عظیمی از جامعه از برنامه سوسیالیستی آئنده پشتیبانی می کرد . بعد از کودتا نیز بخاطر مبارزه مداوم توده ها و نیروهای سیاسی مبارزه همچنان علیه رژیم ادامه داشت و همه شاهد بودیم که این مبارزه چقدر قربانی گرفت . 1974 حکومت سرمایه به رهبری پینوشه در یک قرارداد ملی مالکیت دولت روی تمامی صنایع ملی دولتی را از بین برد . سرمایه خارجی با خرید این صنایع مهم با نیروی تمام به حراج شیلی دست زد . معادن مس

شیلی که جزو بزرگترین منافع مس دنیا محسوب می شود به دست کمپانیهای بین المللی افتاد . خصوصی شدن صنایع در این سال شروع شد . ده خانواده بزرگ شیلی سرنوشت کشور را به دست گرفتند . خانواده آنجلینی با رد دست داشتن بیش از سه میلیارد دلار بخش بزرگی از صنایع مس را خرید و خانواده لارایم با چهار میلیارد دلار به تاراج صنایع نساجی پرداخت که اینها همه بخش از برنامه از پیش تعیین شده آنها بود . در این مدت میزان فقر در جامعه به 70 درصد رسید 35 درصد مطلق رابه جامعه تحمیل کردند و بسیاری از کارگران از روی بیکاری به مشاغل غیرتولیدی روی آوردند . بیمه درمانی کشور به دست کمپانیهای بزرگ اسپانیای ، سعودی و امریکای شمالی رسید . آب ، طبیعت ، رودخانه ها ، جزایر ، پلها ، صنایع پرورش ماهی تمامی سیستم آموزش و پرورش ، همه اینها از بیخ و بن خصوصی شدند . آنچه نقش مهمی برای برابری جامعه ایفا کرد . رل وی در سیستم آموزش و پرورش یک نمونه است . زمانی که وی دانشجوی پزشکی بود ، تلاش برای بوجود آوردن بهداشت همگانی را دامن زد . کودتا در واقع ادامه تلاشی بود برای از بین بردن تمامی دستاوردهای دوران حکومت آئنده سازمان داده شده بود . همانطور که در اروپا هم شاهد هستیم ، امروز

مدل آینده برای شیلی ، سوسیالیسم نفوذ کرده و دخالت دارد . وضعیت شیلی بود . آینده چندین بار در کوبا بود و همچنین فیدل در شیلی حضور داشت و هر دو کشور رابطه تنگاتنگی داشتند . سالوادور آلنده در پایبندی به قول خود مبنی بر مردن بخاطر دفاع از منافع خلق استوار و قاطع بود . روحیه قوی ، توانایی سازماندهی ، فداکاری ، قهرمانی و دلاوری فردی وی شگفت آور و ستودنی است . بر روی این قاره ، هیچگاه رئیس جمهوری به چنین کاری برجسته و ستودنی دست نزده بود . بدفعات جنبش های برحق توسط نیروهای وحشی و خشن خفه و سرکوب شده اند . اما هیچگاه این نیروی وحشی و خشن با چنین نوعی از مقاومت از سوی مردی فداکار و صاحب اندیشه ای در خدمت تودها قرار نگرفته بود . سالوادور آلنده سمبل وقار ، بزرگی ، شرافت ، ارزش ، قهرمانی و فداکاری بود . مقوله ای که نظامیان فاشیست با آنها آشنایی ندارد . آلنده با اقدام پر عظمت ، بی نظیر و بی مانند خود برای همیشه و برای تمام طول تاریخ ، پینوشه و همکارانش را در ننگ و رسوایی ابدی فرونشاند . در سال 1971 ، فیدل کاسترو مسلسلی به سالوادور آلنده هدیه داد . مسلسلی که وی در روز 11 سپتامبر 1973 با آن جنگید و دلاورانه در راه آرمان خلق به خون تپید _ هیچگاه مسلسلی این چنین قهرمانه و دلاورانه در دستان رئیس جمهور قانونی و منتخب خلق قرار نگرفته است ! هیچگاه مسلسلی این چنین متواضعانه از منافع تهیدستان ، کارگران و دهقانان شیلیایی دفاع کرده است ! و اگر هر کدام از کارگران و دهقانان شیلیایی همانند رئیس جمهور ، مسلسلی در دست داشتند ، چنین کودتایی به هیچ وجه صورت نمی گرفت . این است درس بزرگ حوادث اخیر شیلی . درسی مهم و تاریخی برای همه انقلابیون . در شیلی امروز بورژوازی در درون ژنرالها و افسران

**سوسیالیسم و کمونیسم نه
محصول تخیلات بشر دوستانه
بوده و نه مفاهیم و مقولاتی
مقدس هستند که در رویاهای
مصلحین اجتماعی و در
آرزوهای خام انسانهای ناتوان
در برابر اتفاقات و حوادث
تاریخی و طبیعی شکل گرفته
باشند . کمونیسم محصول
جامعه سرمایه داری مدرن و
نتیجه جدال دو طبقه متضاد
اجتماعیست : طبقه کارگر و
طبقه سرمایه دار که دو طبقه
اصلی جامعه سرمایه داری
معاصر را تشکیل میدهند .**



به مناسبت بیست و سومین سالگرد قتل عام زندانیان سیاسی



سازمان اتحاد فدائیان کمونیست
Iranian Fedaiian
Communist League

بیست و سه سال از روزهای خونین تابستان ۶۷ سپری میشود. روزهایی که ساعات، ثانیه ها و لحظات آن در زندانهای جمهوری اسلامی با مقاومت ها و حماسه های شگفت انگیز انسانهایی همراه بود که به خاطر آزادی، عدالت، سوسیالیسم و حفظ حرمت انسانی ابناء بشر بر چوبه های دار و تیرباران بوسه میزدند. انسانهایی که مثل همه دارای همسر، فرزند، پدر، مادر، خواهر و برادر و در و همسایه و دلباخته و دلداده بودند، هزاران آرزو در دل داشتند و میخواستند زنده بمانند و از مواهب زندگی برخوردار گردند، اما آنها زندگی در اسارت جهل و خرافات و بی عدالتی و سرکوب و فقر و مسکنت را برنمیآفتند. عاشق زندگی بودند و برای یک زندگی عاری از ستم و استثمار و زور و سرکوب به خیل اندیشمندان و مبارزین راه آزادی و سعادت پیوسته بودند تا انسان را از بند بربریت و توحش نظامات استثمارگر و سرکوبگر برهانند.

در بیست و سومین سالگرد قتل عام زندانیان سیاسی بیاد آوریم رفقائی را، که در حالیکه قلب شان سرشار از عشق و علاقه به زندگی بود دار و درفش عمال طبقه حاکم و نظام ارتجاعی اسلامی را به هیچ گرفتند و با هزاران عشق و آرزو سرفرازانه سر به پای آزادی نهادند.

در وصل عشق جانان

گر عاشقیست صادق

در روز تیرباران هرگز که سرنخارد

امروز خاوران به وسعت ایران نام آشنائی است. افشاگر جنایات بی شمار جمهوری اسلامی و نمونه ای از گورهای دسته جمعی هزاران زندانی

سیاسی و عقیدتی است که به فرمان دژخیم زمان بعد از تحمل رنج و شکنج بسیار به به چوبه های دار و تیرباران سپرده شدند و سپس در گورهای دسته

جمعی دزدانه دفن گردیدند. رژیم مدتها کوشید تا این جنایت را از افکار عمومی مخفی دارد اما طولی نکشید که این جنایت هولناک توسط اقوام و بستگان زندانیان

سیاسی کشف شد. طی این مدت رژیم بر آن بوده تا با دستگیری و زندان و شکنجه بستگان جانبختگان آنها را به سکوت وادارند و مانع از افشاکاری و تلاش

آنها برای شکل دهی به یک دادخواهی عمومی علیه آمرین و عاملین این جنایت ها باشند. اما مقاومت و پایداری خانواده ها و دیگر انسانهای آزادیخواه و نیز تلاش

سازمانهای سیاسی و جان بدر بردگان از کشتارهای دهه ۶۰ این ترفند ها و سیاست های رژیم و عوامل آن را نقش بر آب کرد. امروز به همت خانواده ها و فعالین

سوسیالیست و همه انسانهای آزادیخواه، مسئله قتل عام زندانیان سیاسی و کشتار دهه ۶۰ و دادخواهی و محاکمه آمرین و عاملین این کشتارها به یک

خواست سراسری، ملی و جهانی در نزد افکار عمومی مترقی تبدیل شده است. رژیم جمهوری اسلامی و حامیان و عوامل ریز و درشت آن باید

پاسخگوی جنایات مرتکبه در دهه ۶۰ و تمام سالهای حاکمیت ارتجاعی و مستبدانه خود باشند. در این راستا اولین وظیفه همه ما تشدید مبارزه برای رسیدن به

خواست ها و مطالبات آزادیخواهانه و انسانی کسانی است که برای تحقق آنها در جامعه ما ایستادگی کرده و جان فدا کردند و در عین حال پشتیبانی از اقداماتی

است که جنبش دادخواهی خانواده ها و بستگان قتل عام شدگان دهه ۶۰ و سایر جانبختگان راه آزادی و سوسیالیسم را به نتیجه رسانده و سرانجام به یک

جنبش آزادیخواهانه و عمومی برای سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی و پایان دادن به سرکوب، زندان، شکنجه و اعدام فرارویاند.

امروز وظیفه هر انسان آزادیخواهی است که از خواست ها و مطالبات خانواده ها و بستگان تمام زندانیان سیاسی و همه آنهاستیکه طی سه دهه حاکمیت

جمهوری اسلامی به خاطر مواضع سیاسی و طرز اندیشه و اعتقادات خود و به خاطر مبارزه برای آزادی، عدالت و سوسیالیسم دستگیر و زندانی و شکنجه و

اعدام و یا مفقودالثر شدند، پشتیبانی کرده و با تشدید

مبارزه برای سرنگونی رژیم حاکم و پاسخگو نمودن

همه کسانی که در این کشتارها و جنایت ها دست

داشتند، مرحمی بردل های سوخته بستگان و بازماندگان

این عزیزان نهاده و یاد و خاطره آنها را گرمی دارند.

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی ایران

برقرار باد جمهوری فدراتیو شورائی ایران

زنده باد سوسیالیسم

سازمان اتحاد فدائیان کمونیست

شهریور 1390

آخرین اطلاعیه ها و نشریات سازمان را از این

آدرسها دریافت کنید

WWW.kare-online.org

www.fedayi.org

webmaster@fedayi.org

FAX: +46317792571

Kurdistan@fedayi.org

azer@fedayi.org

روابط عمومی

کمیته کردستان

کمیته آذربایجان

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی

، برقرار باد جمهوری فدراتیو شورائی!